

ارزش و اهمیت هدیه در اسلام

<?xml encoding="UTF-8">

هدیه به معنای ارمغان، پیشکش و تحفه است. هدیه آن چیزی است که برای دوستان و خویشان فرستاده می شود تا این گونه مهر و محبت خود را اظهار کنیم.

هدیه در همه فرهنگ ها و آیین ها وجود دارد و اشکال گوناگونی از آن را می توان در جوامع بشری یافت. از اهدای یک شاخه گل و یک سبد میوه در تایلند گرفته تا هدیه خانه و بوستان در ایران تا هدیه دختر و پسر به رهبران قبیله در آفریقا، همه نمونه هایی از این فرهنگ انسانی است.

البته در برخی از موارد، می توان مصادیقی را یافت که موجب بحران اجتماعی می شود و هدیه ها به جای آنکه برای اظهار محبت، احساسات و عواطف باشد، عاملی برای چشم هم چشمی و طعنه زدن به دیگری می شود. نویسندگان در این مطلب با بر اساس آیات و روایات جایگاه و ارزش هدیه را در روابط انسانی اسلامی تبیین کرده است.

بدترین نوع هدیه مصادعه آن است که انگیزه آن کارسازی باشد. این هدیه چیزی جز رشوه نیست. هدیه هایی که برای کارمندان دولت یا مسئولان و صاحب منصب ها به منظور کارسازی می برند، از این قبیل است. این گونه هدایا در روایات اسلامی، رشوه، ربا و خیانت نام گرفته و به شدت نکوهش و حرام دانسته شده است.

هدیه، بازتابی از عواطف و احساسات

انسان موجودی عقلانی عاطفی است. روابط انسانی در بهترین شکل آن زمانی تحقق می یابد که عقل و قلب به درستی کار کنند و بی هیچ گونه افراطی و در عین اعتدال عمل نمایند. بنابراین، انسان کامل، انسان دارای شخصیت متعادل است و به دور از هر گونه افراط و تفریط است. از نظر اسلام، ایمان واقعی، زمانی شکل می گیرد که عقل و قلب به درستی عمل کنند. روابط انسانی نیز باید در این ساختار تعریف و تبیین شود. از این رو، پاسخگویی به احساسات و عواطف باید در چارچوبی باشد که عقل و فطرت آن را بپذیرد. پس اگر احساسات و عواطف طغیان کند و به حدی برسد که عقل و فطرت را به جنون بکشاند و بپوشاند، به شدت با آن مخالفت می شود و از انسان ها خواسته می شود تا احساسات و عواطف خویش را مدیریت کنند.

در این راستا شادی افراطی در شکل فرح به جای سرور و خوشحالی معتدل، امری ناپسند دانسته شده و به صراحت در آیه 76 سوره قصص از آن نهی شده چنان که می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْفَرِحِينَ**؛ خداوند فرح کنندگان را دوست ندارد.

اگر احساسات از سوی عقل مدیریت نشود، محبت و دوستی، به عشق و جنون می کشد یا به جای اینکه محبت،

به چیزی مطلوب و مفید باشد به امور باطل و غیر سازنده تعلق می گیرد. خداوند در آیه 165 سوره بقره بیان می کند که برخی از مردم غیر خدا از بتان را چنان محبوب می دارند که بیش از محبتشان به خداوند است. اسلام بر روابط سالم انسانی تاکید بسیار دارد و بر اموری چون صله رحم و دید و بازدید از خویشان و دوستان توجه می دهد و حتی صله رحم را عامل افزایش عمر و روزی و قطع آن را موجب کاهش عمر بر می شمارد. برای تقویت روابط انسانی و اظهار محبت، در همه فرهنگ ها و سنت های عقلایی، شیوه هایی وجود دارد که از نظر آن جامعه، امری پسندیده تلقی می شود. از جمله این امور پسندیده در همه جوامع بشری، هدیه دادن است. اسلام هدیه را راهی برای نزدیکی قلوب می داند و بر آن تاکید دارد.

هدیه، هدایت به حقیقت

واژه هدیه از هدایت به معنای راهنمایی از روی لطف گرفته شده است. [1] در قرآن شتری که برای قربانی در حج می کشند، به عنوان هدی معرفی می کند که بیانگر آن است که هدایت به سوی تقوای الهی دارد، زیرا با هدیه و قربانی به پیشگاه خدا، جهت گیری انسان به سوی حقیقت تغییر می یابد؛ چرا که خون و گوشت قربانی به خداوند نمی رسد و آنچه از این هدی و قربانی به خدا می رسد، همان تقوایی که مردم و اظهار عبودیت و درامان ماندن از خشم الهی است. [2]

بنابراین، بهترین هدیه از نظر اسلام و قرآن آن است که انسان را به سوی حقیقت برتر رهنمون سازد و یاد خداوند را در دل ها روشن و تقویت نماید و انسان هر گاه به هدیه بنگرد، یاد خدا کند و محبت خدا را در دل بیفزود. در حقیقت هدیه باید هدایت به سوی خداوند و راهنما به حقیقت باشد.

اسلام هر چند که دادن هدیه های مادی برای تأمین نیازهای زندگی و ایجاد الفت و محبت میان مردم را توصیه کرده، ولی هدیه را تنها در امور مادی منحصر نمی کند، بلکه بهترین و ارزنده ترین هدایا را هدیه ای می داند که نیازی از نیازهای معنوی و روحی انسان را تأمین کند و او را در مسیر هدایت قرار دهد.

پیامبر (ص) بیان عیب ها از سوی برادر دینی را هدیه ارزنده ای بر می شمارد؛ زیرا موجب می شود تا شخص به عیوب و نواقص خویش آگاه شود و از منظر بیرونی، وضعیت خود را تحلیل کند و برای اصلاح خویش و رسیدن به فضایل و کمالات و رفع نواقص بکوشد. این همان هدیه واقعی است که هدایتگر و رهنمونگر به سوی خدا و حقیقت تعالی انسان است.

پیامبر گرامی (ص) در این باره می فرماید: خیر اخوانکم من اهدی الیکم عیوبکم؛ بهترین دوستان تو کسی است که عیب های تو را بر تو هدیه کند. [3]

حضرت امیرمومنان علی (ع) نیز می فرماید: خیر اخوانک من دلّک علی هدی و اکسبک تقی و صدک عن اتباع الهوی؛ بهترین دوستان تو کسی است که تو را به سوی راه هدایت راهنمایی کند و باعث شود تقوا به دست آوری و تو را از هواپرستی و پیروی خواهش های نفس باز دارد. [4]

از امیرمومنان (ع) روایت شده که فرمود: من دوست دارم آنچه را که برای برادر مسلمانم مفید می دانم، به او هدیه دهم تا صدقه. [5]

دادن خمس، از مصادیق صله

خداوند از مردمان خواسته است تا خود را به خدا پیوند زنند. اینکه چگونه انسان می تواند خود را با خدا پیوند زند، اشکال و مصادیق گوناگونی دارد که از آن جمله متاله شدن است. برای اینکه انسان متاله شود، باید اهل تقوا و عمل صالح باشد که این حقیقت با انجام اوامر و فرمان های الهی از سوی بشر ممکن می شود. از دیگر مصادیق برقراری پیوند میان انسان و خداوند، بهره گیری از ریسمان آویخته ای است که از آن به ولایت یاد می شود. هر انسانی باید به ریسمان آویخته میان زمین و آسمان بیاویزد و از این عروه الوثقی بهره گیرد؛ چرا که ولایت و اولوالامر، اسباب و وسایلی است که انسان از آنها بهره می گیرد و به خدا وصل می شود. در روایات تفسیری در ذیل آیه 21 سوره رعد، هدیه به امام (ع) را از مصادیق برقرار کردن پیوند و صله مورد فرمان خداوند دانسته اند. امام صادق (ع) در پاسخ از آیه فرمود: آن عطیه دادن به امام (ع) است. سپس فرمود: من با گرفتن این هدیه فقط می خواهم شما را پاک کنم [6]

هدیه به خویشان، مصداق صله رحم

هدیه به خویشان، از مصادیق صله رحم است که در آیات قرآنی به آن اشاره شده است. اگر انسان بتواند با هدیه و پیشکش، جلب محبت خویشان نماید و دل ایشان را گرم و مهربان سازد، این کار را انجام دهد. در احکام قرآنی این حکم آمده است که در میراث هم بخشی از ارث را به خویشان فقیر بدهند تا صله رحم تحقق یابد. البته دادن بخشی از میراث از باب فریضه و واجب نیست، بلکه به عنوان هدیه و صله رحم می باشد؛ چرا که اظهار محبت به اقرباء به هر شکلی پسندیده است. [7] به سخن دیگر، یکی از بهترین مصادیق احسان، احسان به خویشان و اقرباء از طریق هدیه و پیشکش است. [8]

هدیه به دوستان و دشمنان

هدیه اختصاص به خویشان ندارد، بلکه برای دوستان و حتی دشمنان نیز فرستاده می شود. در قرآن گزارش شده که ملکه سبا برای مدیریت بحران و جلوگیری از خشم و تجاوز به کشورش، هدایای فراوان و گرانبها برای حضرت سلیمان (ع) می فرستد.

ملکه سبا برای انجام این عمل خویش اهداف چندی داشت که از جمله آنها شناخت مقام و موقعیت حضرت سلیمان (ع) بود؛ زیرا می خواست با ارسال هدایا دریابد که او پادشاهی چون شاهان دیگر است یا آنکه پیامبری است که حکومت را به حکم الهی در اختیار دارد و در اندیشه ثروت و مقام و منصب نیست. از این رو با زیرکی تمام، گروهی را با هدایا می فرستد تا جایگاه پیامبری و یا شاهی حضرت سلیمان (ع) را به دست آورد و واکنش او و درباریانش وی را دریابد. [9]

واکنش آن حضرت (ع) به هدایا به خوبی نشان داد که حضرت (ع) در دعوت خویش به اطاعت از خداوند و پیامبرش، تحت تاثیر هدایای مادی هر چند فراوان و گرانبها قرار نمی گیرد و آنچه را که از طریق فرستاده اش هدهد گفته، باور دارد. از این رو برای دیدار و سپس پذیرش آیین توحید به سرزمین حضرت سلیمان (ع) می رود. از نظر اهل ایمان و توحید، امکانات مادی و هدایایی از این دست هیچ ارزش و اعتباری ندارد و آنچه ارزش و اعتبار دارد در درجه نخست، بندگی و اطاعت خداوند و سپس بهره مندی از امکاناتی است که خداوند به انسان هدیه کرده است. [10] براین اساس حضرت سلیمان (ع) به نعمت های الهی که به وی بخشیده شده اشاره کرده و آن را بسیار بهتر و ارزشمندتر از همه هدایای ملکه سبا می داند. [11]

آثار هدیه

هدیه یکی از عوامل زدودن کینه و عداوت، ایجاد مهر و محبت و تحکیم پیوند برادری اسلامی است و فضیلت آن بیش از فضیلت صدقه است. خداوند در آیه 36 سوره نمل، یکی از آثار هدیه را شادمانی می داند. هدیه اگر خدایی باشد در هدیه دهنده و هدیه گیرنده اثر مثبت به جا می گذارد و شادمانی و سرور را در آنها برمی انگیزد. پیامبر (ص) می فرمود: به همدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه دلخوری ها را بر طرف می سازد، و کینه ها و دشمنی های دیرین را از بین می برد. [12] برای اینکه درک درستی از آثار هدیه داشته باشیم لازم است به انواع و اشکال هدیه ها و انگیزه های آن اشاره کنیم.

انواع انگیزه در هدیه دادن

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) هدیه را با توجه به انگیزه آن به سه دسته تقسیم کرده و دسته اول را هدیه مکافات (مقابله)، دسته دوم را هدیه مصلحت و دسته سوم را هدیه برای خدا نامیده است. [13]

1. هدیه مقابله

هدیه مقابله، هدایایی است که در مقابل هدیه ای دیگر داده می شود. مثلاً معروفی می گوید: «کاسه جایی رود که باز آرد قدح». این نوع هدایا از دیر باز مرسوم بوده است. از آداب و رسوم برخی مناطق ایران این است که هدایایی را برای عروس و داماد می برند تا در آینده آنان یا خانواده هایشان برای عروس و دامادهای دیگر هدایایی ببرند. همچنین جمع کردن پول به عنوان هدایا در برخی از عروسی ها دیده می شود که کمک مالی به عروس و داماد است و ایشان نیز در آینده آن را با دادن هدایای نقدی و غیر نقدی جبران می کنند. این گونه هدایا در حقیقت، عامل آسان شدن مشکلات آغاز زندگی است و پول و امکاناتی را در اختیار عروس و داماد ها قرار می دهد.

بسیاری از هدیه ها چنین است. این نوع هدیه در اسلام ممنوع نیست. اما اگر موجب شود تا دیگری در محذوریت اخلاقی و مانند آن قرار گیرد و ناچار شود تا همان مقدار یا بیشتر از آن را هدیه کند، در برخی شرایط پسندیده نیست.

از این رو حضرت علی (ع) فرمود: برای کسی هدیه ببر که می دانی او برای تو هدیه نمی آورد. [14]

2. هدیه مصلحت

مصلحت به معنای ظاهرسازی است. هدیه مصلحت، آن است که آورنده آن انگیزه ای جز ظاهرسازی ندارد. این ظاهرسازی به دلیل رودربایستی، خودنمایی یا برای کارسازی یا رشوه و مانند آن است.. بدترین نوع هدیه مصلحت آن است که انگیزه آن کارسازی است. این هدیه چیزی جز رشوه نیست. هدیه هایی که برای کارمندان دولت یا مسئولان و صاحب منصب ها به منظور کارسازی می برند، از این قبیل است. این گونه هدایا در روایات اسلامی، رشوه، ربا و خیانت نام گرفته و به شدت نکوهش و حرام دانسته شده است.

3. هدیه برای خدا

هدیه برای خدا آن است که آورنده آن نه مصلحت و ظاهرسازی می کند، نه آن را به عنوان مقابله می دهد، بلکه انگیزه ای جز رضای خدا از طریق خدمت و شاد کردن برادر و یا خواهر دینی خود ندارد و بدین جهت در انتخاب نوع هدیه و کیفیت آن حتماً رضای خدا را رعایت می کند و خود را به رنج نمی افکند و یا هدیه ای که موجب گمراهی و تباهی گیرنده است، هدیه نمی دهد.

به طور کلی هدف او از این هدیه دادن رضای خداست و توقعی از پس آن هدیه در دل ندارد.

4. هدیه ازدواج

از نظر قرآن، مهریه زنان نیز به یک معنا هدیه ای از سوی شوهر است. (نساء، آیه 4) در حقیقت آنچه مرد به زن در عقد دایم می دهد، هدیه است و آنچه در عقد موقت داده می شود، مزد و اجرت است؛ زیرا در ازدواج دایم، آنچه هدف است انگیزه عاطفی و الهی است که در آیات قرآن مودت و رحمت و آرامش و سکونت گفته شده است و آنچه در ازدواج موقت مورد نظر است، ارضای غرایز جنسی است. از این رو، همانند معامله ای است که میان مرد و زنی تحقق می یابد و مرد در برابر بهره مندی جنسی، مزدی را می پردازد. [15]

پس آنچه میان مرد و زن در ازدواج دایم به عنوان مهریه رد و بدل می شود، مزد و اجرت و مانند آن نیست، بلکه هدیه ای از سوی شوهر به همسر است.

هدایای ناپسند

چنان که گفته شد هدیه از نظر انگیزه آورنده آن، انواعی دارد. برخی از هدیه ها در اسلام سخت نکوهش شده و حتی در بعضی از موارد، آورنده آن مستوجب کیفر الهی معرفی شده است!

کسی که برای خدا هدیه می برد، هیچ گاه چیزی را که خداوند اجازه نداده، هدیه نمی برد. متأسفانه در برخی از جشن ها حتی عده ای از مومنان، کادوهایی می آورند که انگیزه الهی ندارد. برای مثال، طبق های متعدد گل با قیمتهای گزاف! و آن هم تنها برای چند ساعت! آن هم در شرایط اقتصادی کنونی، چگونه می تواند با انگیزه الهی همراه باشد؟! یا هدیه برای خویشان و دوستانی که به مقام و منصبی می رسند در حالی که پیش از آن حتی سلام نمی کردند. این گونه هدایا از مصادیق سلام گرگ بی طمع نیست، امری ناپسند و گرفتن آن خود موجب مسائلی می شود.

یکی از نشانه های هدیه برای خدا این است که با تکلف و به زحمت افتادن همراه نیست، و هدیه آورنده مجبور نمی شود برای تهیه آن، خود را به سختی بیندازد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: یکی از نشانه های بزرگداشت برادر مسلمان این است که هدیه او را بپذیرد و از آنچه دارد برای او هدیه ببرد و برای او خود را به سختی بیندازد. [16]

آداب هدیه

در اصل دادن و گرفتن هدیه به مناسبت های گوناگون همچون اعیاد، عروسی و ولیمه ها و جشن تولد ها و مانند آن هیچ تردیدی وجود ندارد. در هر زمانی می توان هدیه داد حتی اگر شاخه گلی باشد. بنابراین دادن هدیه

منحصر به زمان و مکان خاصی نمی شود تا آن را محدود به مراسم و آیین خاصی کنیم. البته در برخی از زمان ها، از نظر شرایط زمانی و مکانی مناسب است که هدیه داده شود؛ مثلاً در جشن تولد و ازدواج این انتظار است که هدیه ای داده شود. پس در این گونه موارد که برای هدیه دادن و هدیه گرفتن آمادگی روحی هم وجود دارد، این اقدام بسیار مناسب است.

در ایام شادی و سرور، مناسبت های شرعی و نیز اعیاد ملی و مذهبی چون عید نوروز، عید فطر و عید قربان بخصوص به کودکان، هدیه دادن و هدیه گرفتن و همین طور بازدید و صله ارحام مناسب و پسندیده است. نباید این تصور به وجود آید که هدیه الزاماً باید معنوی باشد، هدیه معنوی بسیار هدیه خوبی است اما فراموش نکنیم که شرع از هدیه مادی هم برای ایجاد الفت ها استفاده می کند. برای مثال، در بحث زکات داریم که یکی از موارد مصرف زکات افرادی هستند که مسلمان نشده اند و با پرداخت زکات به آنها، قلوب آنها تألیف شده و به اسلام متمایل می شوند. پس می توان از راه مادی برای رسیدن به هدف معنوی استفاده کرد.

گاه لازم است تا برای ایجاد الفت و بویژه برای عموم مردم از مسائل مادی شروع کرد. برای افراد فرهیخته، عالم، دانشمند و فاضل اگر هدیه معنوی باشد، بهتر است؛ اما از نظر دین، هدایای مادی الزاماً امری منفی نیست؛ چرا که مادیات از نگاه دین از معنویت ما جدا نیست. برای مثال، در شرع داریم که وقتی به حج رفتید، هنگام برگشت با هدیه بازگردید و به خویشان و دوستان هدیه دهید.

در هدیه دادن باید به تناسب و شأن طرف متقابل توجه داشت. همچنین توجه به اموری چون آداب و سنت های منطقه و فرهنگ ها ضروری است. اگر در جوامعی دادن سبد میوه به عنوان هدیه مرسوم نیست، باید آن را به عنوان هدیه عرضه کرد. همچنین دادن شاخه گل اگر در جامعه ای مرسوم است باید آن را رعایت کرد. در حقیقت عمل مطابق عرف محل و معروف هر جامعه، مهم ترین عامل برای رسیدن به مقصود یعنی جلب محبت و اظهار آن می باشد.

همچنین در هدیه دادن باید شأن اجتماعی افراد در نظر گرفته شود. مثلاً در هدیه به شخصیت های اجتماعی باید با توجه به شأن آنان هدیه داد.

اسلام هدیه دادن را به زمان و مکان خاصی محدود نکرده و هدیه را که الزامی برای معنوی بودن آن وجود ندارد برای تألیف قلوب در نظر گرفته است. پیامبر (ص) بر همین اساس هر نوع هدیه ای را می پذیرفت و به کم ارزشی آن توجه نمی کرد، بلکه رسول خدا (ص) می فرمود: چنانچه مرا به خوردن پاچه گاو یا گوسفندی، مهمانی کنند البته می پذیرم، و اگر پاچه گاو یا پاچه گوسفندی به من هدیه فرستند البته قبول می کنم. [17]

ایشان پاچه گوسفند یا گاو را به عنوان نمونه ذکر کردند و مقصود این است که اگر چیز کم ارزشی به من هدیه دهند قبول می کنم.

رسول خدا (ص) فرمود: در بازگرداندن ظرف های هدیه شتاب کنید، زیرا موجب می شود که (طرف مقابل از هدیه دادن پشیمان نشده) و بار دیگر برایتان هدیه آورد. [18]

امام رضا (ع) از اجداد خویش از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمود: هدیه، خوب چیزی است؛ زیرا آن کلید حوائج است. [19]

سخن درخصوص آداب و چند و چون هدیه بسیار است و علاقه مندان می توانند به کتاب های مرتبط با موضوع مراجعه کنند.

پی نوشت ها :

- [1] مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص 835
- [2] مائده، آیه 95؛ حج، آیه 37
- [3] تنبيه الخواطر، ج 2، ص 123
- [4] غرر الحكم، 5029
- [5] کافی / 5 / 142
- [6] تفسیر عیاشی، ج 2، ص 309؛ تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص 495، حدیث 90
- [7] نساء، آیه 8
- [8] بقره، آیات 83 و 177؛ نساء، آیه 36
- [9] نمل، آیه 35)
- [10] نمل، آیات 35 و 36
- [11] همان)
- [12] طبرسی، مشکاه الأنوار، ص 219
- [13] کافی / 5 / ص 141 / ح 1/
- [14] کافی / 5 / 142
- [15] نساء، آیه 24
- [16] طبرسی، مشکاه الانوار، ص 219
- [17] صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 299
- [18] همان، ص 300
- [19] صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 74، ح 342